

آرزوی مهاجرت، زن و شوهر را به طلاق رساند

گروه حوادث/ «اگر فکر کردی که من همان دختر مظلوم و آرام چند سال پیشم اشتباه کردی هرچقدر در این سال ها آزارم دادی و با حرف هایم توی سرم کوبیدی کافی است. از این به بعد من حرف می زنم و تو گوش می کنی یا باید با من و برنامه هایم کنار بیایی یا مهریه ام را تمام و کمال می گیرم و بدون تو مهاجرت می کنم...» گفتن این جمله ها از سوی سمیرا کافی بود تا همسرش سینا با عصبانیت به او اعتراض کند و خیلی زود کارشان به دادگاه خانواده برسد.

سمیرا که این بار در حضور قاضی دادگاه خانواده نشسته بود گفت:

در این چند سال سعی کردم قناعت کنم و از خرید هر آنچه که دلم خواست صرف نظر کنم. خیلی مواقع دوست داشتم برای دلخوشی ام ساده ترین وسایل را بگیرم اما نگرفتم اما همه دخترهای فامیل و دوستانم هرچیزی که را خواستند گرفتند. من در خانه پدرم هرچیزی که می خواستم در اختیارم بود و خانواده ام خرید هیچ چیزی را از من دریغ نمی کردند اما از وقتی به خانه به اصطلاح بخت رفتم خرید یک میز یا یک دست مبل برایم حسرت شده است.

سینا حرف های سمیرا را قطع کرد و گفت: تو به دنبال تجمل گرایی هستی. از نظر تو زندگی ایده آل عکس هایی است که دوستان و اقوام در فضای مجازی می گذارند. زن زندگی برای یک دست مبل و یک میز ناهارخوری حسرتش را به دادگاه نمی کشاند. همانطوری که گفتم تو دنبال بهانه ای هستی برای زندگی نکردن و من با آدمی که طرز فکرش این طوری است نمی توانم کنار بیایم.

در حالی که گفت وگویی میان سمیرا و سینا به مشاجره ای بی نتیجه منتج می شد قاضی از آنها خواست تا سکوت کنند و بعد هم به هر دو نفر گفت که فعلاً حکم طلاق را صادر نمی کنم شما نیاز به مشاوره دارید. چند جلسه پیش

مشاور می رویید و اگر به نتیجه نرسیدید آن زمان تصمیم دیگری خواهیم گرفت. حالا هم بایدید صورتجلسه را امضا کنید و بروید. امیدوارم دفعه بعدی که شما را دیدم تصمیم هر دوی شما ادامه زندگی مشترکتان باشد.

حبس و شلاق، مجازات سارقان تندیس میدانی در اصفهان

گروه حوادث/سارقان تندیس هنری میدان امام حسین (ع) اصفهان از سوی شعبه ۱۰۵ دادگاه کیفری ۲ اصفهان به حبس و شلاق محکوم شدند. محمدرضا حبیبی، رئیس کل دادگستری استان اصفهان درباره جزئیات این پرونده سرقت به میزان گفت: اواسط بهمن سال گذشته با اعلام خبر سرقت تندیس هنری نصب شده در میدان دروازه دولت اصفهان (نام قدیم میدان امام حسین) تعقیب کیفری سارق یا سارقان این اثر در دستور کار دادرسی اصفهان قرار گرفت و با تلاش مأموران انتظامی در اسرع وقت ۳ متهم دستگیر و با تشکیل پرونده و صدور دستور قضایی روانه زندان شدند. وی در ادامه گفت: پس از انجام تحقیقات مقدماتی پرونده با صدور کیفرخواست به دادگاه ارسال شد و شعبه ۱۰۵ کیفری ۲ اصفهان متهم ردیف اول را به تحمل ۵ سال حبس و تعزیری و متهم ردیف دوم را به ۲ سال حبس و متهم ردیف سوم را به ۳ سال حبس و تحمل ۷۴ ضربه شلاق تعزیری محکوم کرد. گفتنی است این حکم غیر قطعی و قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم تجدیدنظر استان اصفهان است.

متهم، قتل پسر همسایه را گردن نگرفت

گروه حوادث/مرد جوانی که به اتهام قتل پسر همسایه اش بازداشت شده در حالی پای میز محاکمه ایستاد که منکر هرگونه دخالتی در مرگ این پسر جوان شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، اوایل فروردین سال ۹۷ پسر جوانی به طرز مرموزی در خانه اش واقع در پیشواي ورآمین جان باخت. معاینات پزشکی قانونی نشان می داد وی به علت ایراد ضربه به سرش و خونریزی مغزی جان باخته است. با شکایت خانواده این پسر تحقیقات قضائی آغاز شد و مأموران در بررسی تلفن همراه این پسر پیامکی را مشاهده کردند که از سوی شخصی به نام مهرداد ارسال شده و نوشته بود «من را ببخش عصبانی بودم و نفهمیدم چه کار می کنم.» بدین ترتیب مأموران در ادامه بررسی ها دریافتند مهرداد از هم محلی های این پسر بوده است بنابراین به سراغ وی رفتند. وی که منکر قتل بود گفت: من آن شب با حمید درگیری لفظی پیدا کردم اما قتل کار من نیست. با این حال این پسر بازداشت شد و سرانجام صبح دیروز وی در شعبه دوم دادگاه کیفری استان تهران محاکمه شد. در حالی که خانواده مقتول برای وی درخواست قصاص داشتند متهم گفت: شب حادثه من و برادرم خانه دوستان میهمان بودیم آخر شب که بیرون آمدم در خیابان راه می رفتم که ناگهان حمید با خودرواش با سرعت زیاد به من نزدیک شد و بعد هم جلوی پای ما ترمز کرد. من به او اعتراض کردم و ناراحت بودم اما متوجه شدم حمید مست بود او از خودرو پیاده شد و شروع به فحاشی کرد در همین موقع برادرم وساطت کرد و دعوا پایان یافت. من و حمید هیچ درگیری فیزیکی نداشتیم. وقتی هم او رفت برادرم گفت ما همسایه هستیم نباید این رفتار را می کردی که من پشیمان شدم و برای او پیام عذرخواهی فرستادم. من هیچ دخالت و اطلاعی از مرگ حمید نداشتم. بدین ترتیب قضات شعبه دوم دادگاه کیفری استان تهران برای تصمیم گیری در این پرونده و صدور حکم وارد شور شدند.

متهم در دادگاه:

بعد از قتل دوستم با همسرش ازدواج کردم

گروه حوادث/زن جوان که با همدستی یک مرد شوهر خود را به قتل رسانده و جسدش را در حیاط خانه ویلایی خود در بومهن دفن کرده بودند صبح دیروز در شعبه دهم دادگاه کیفری استان تهران محاکمه شدند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، از این موضوع نباید مبدل به مشتکش را آغاز کند از ایده آل هایش می گفت و به توافقی هائی می رسید. دوم اینکه فضای مجازی و ارتباط با برخی از دوستان می تواند طرز فکر و اهداف و ایده آل های افراد را دستخوش تغییر کند. ممکن است سکوت سمیرا در ابتدای زندگی مشترک به خاطر طرز فکر واقعی خودش بوده که با مرور زمان و ارتباط با برخی از دوستان نسبتاً مرفه باعث شده که این زن تغییر رویکرد دهد و بعد از چند سال به دنبال ایده آل هایی باشد که در زندگی اقوام و دوستانش دیده است. در این جور مواقع سینا می تواند زمینه رهایی همسرش را از دنبال کردن این اهداف غیر منطقی با پر کردن وقت های خالی برای سمیرا و درک نیازهای واقعی او فراهم کند و او را با واقعیت های زندگی اش روبه رو کند.

سوم اینکه سینا نباید همه مشکلات زندگی را به گردن دوستان و افکار تازه سمیرا بیندازد. ضمن اینکه سینا با پذیرش مهریه سنگین موجب شده تا وقتی سمیرا خودش را با زندگی ایده آلی که به تاژگی برای خودش ترسیم کرده در فاصله ببیند، احساس کند که تنها با گرفتن مهریه می تواند به خواسته هایش دست یابد.

سرقت ۸۰۰میلیونی یک قاتل وهمدستانش از خانه هنر

شند یکی از تپیا سواران را دستگیر کنند ولی نفر دوم موفق به فرار شد

سارق سابقه دار

با دستگیری مرد جوان به نام سیاوش، او به رهایی یابد این بار به همراه همدستانش نقشه سرقت از خانه هنر متعلق به یکی از مراکز خیریه را طراحی و اجرا کرد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چندی قبل خبر سرقت از خانه هنر یکی از مراکز خیریه و مردمی در تهران به پلم اعلام شد. تیم تحقیق بلافاصله برای بررسی ماجرا راهی محل سرقت شده و در نخستین تحقیقات دریافتند سارقان پس از سرقت آلات و ادوات موسیقی، ۱۰۰ تابلوی نقاشی و کارهای دستی کودکان بی سرپرست و بد سرپرست و وسایل با ارزش و حتی مواد خوراکی موجود در محل را با تخریب در خروجی سرقت و پس از خروج نیز قفل در را تعویض کرده اند. هنر ۸۰۰ میلیون تومان بوده است. در ادامه بررسی ها مشخص شد و بد سرپرست و وسایل با ارزش و خالی همسایه که متعلق به مرد میانسالی بود وی و دو سال ها قبل فوت کرده بود وارد ساختمان شده اند.

کشف تابلوهای نقاشی

از آنجایی که سارقان فیلم دوربین های مدار بسته محل سرقت را نیز با خود برده بودند هیچ رد و سرنخی از آنها به جا نمانده بود، اما همین مسأله نشان می داد که آنها با سارقان حرفه ای و احتمالاً سابقه دار مواجه بودند. در حالی که بررسی ها برای یافتن سارقان خانه هنر ادامه داشت، دوشنر از کارمندان مرکز خیریه هنگام عبور از خیابان جیحون به طور اتفاقی با خودروی «تپیا» سفید رنگی مواجه شدند که تعدادی از تابلوهای نقاشی مسروقه متعلق به مرکز خیریه در آن بود و مهر پایین تابلوها این موضوع را تأیید می کرد. دودمر جوان که سارقان را در چند قدمی خود می دیدند بلافاصله موضوع را به پلیس گزارش کردند اما لحظاتی بعد، زمانی که دیدند دو مرد تپیا سوار قصد رفتن از آنجا را دارند، وارد عمل شده و با کمک همسایه ها و عابران موفق

رها شده بود و این زن نیز با مرد دیگری ازدواج کرده بود به وی ظنین شدند. بنا براین وی را تحت بازجویی قرار دادند و خیلی زود این زن اعتراف کرد که همسر فعلی او در سال ۹۲ همسر سابقش را به قتل رسانده است. بدین ترتیب مرد جوان نیز دستگیر شد و به دهم دادگاه کیفری استان تهران محاکمه شدند. در ابتدای جلسه پسر بزرگ مقتول برای متهمان قصاص خواست و همچنین معاون رئیس قوه قضائیه نیز از طرف پسر کوچک مقتول که به سن قانونی نرسیده است برای عاملان قتل در خواست قصاص کرد.

در ادامه جلسه، نخست مره متهم در تشریح ماجرا گفت: اتهام قتل را قبول دارم اما قصدم کشتن او نبود من از طریق خواهرم با این خانواده آشنا شدم. خواهر من با فاطمه – همسر مقتول – دوست بود آنها برای پول پیش اجاره خانه از من یک و نیم میلیون تومان پول خواستند و من هم به آنها قرض دادم بعد هم با هم رفت و آمد خانوادگی داشتیم. آن موقع همسر من قهر کرده و تمام اموال من را تصاحب کرده و رفته بود. بچه هایم نیز با من زندگی می کردند. مدتی که از این ماجرا گذشت یک

روز خواهرم به من تلفن کرد و گفت شوهر فاطمه او را کتک می زند و از من خواست که به کمکش بروم. وقتی به خانه آنها رسیدم دوستم می خواست با چاقو همسرش را بکشد که من مانعش شدم اما به من حمله کرد و من هم برای دفاع از خودم با چاقویی که از آشپزخانه برداشتم او را زدم که متوجه شدم گشته شده است. خیلی ناراحت بودم به فاطمه گفتم من به خاطر تو دوستم را کشتم و گرفتار شدم اما حالا زندگی ام نابود شد در همین موقع فاطمه به من گفت اگر پلیس ما را دستگیر کرد من می گویم خودم او را زده ام. آن موقع بچه های مقتول در خانه نبودند ما جسد را همانجا را هر کردیم و روز بعد با کمک فاطمه جسد را در باغچه حیاط دفن کردیم.

قاضی در ادامه پرسید: تو که خودت در زندگی مشترکت مشکل داشتی با چه صلاحتی در زندگی این زوج دخالت کردی و مرتکب قتل شدی؟ منم گفت: من به درخواست خواهرم به آنجا رفتم و قصدم کمک بود. در ادامه فاطمه پای میز محاکمه ایستاد و در تشریح ماجرا گفت: من و شوهرم خیلی اختلاف داشتیم او همیشه مرا کتک می زد و با من بد رفتاری می کرد. شب حادثه در



آشپزخانه در حال شام درست کردن بودم که دوباره شوهرم شروع به فحاشی و کتک زدن من کرد و من هم با خواهر این مرد تماس گرفتم و درخواست کمک کردم.

قاضی گفت: چرا طلاق نگرفتی؟

- شوهرم قبول نمی کرد او قبلا دو بار ازدواج کرده و همسرانش را طلاق داده بود و می گفت اگر تو هم طلاق بگیری مردم فکر می کنند من مشکلی دارم اگر لازم باشد تو را می کشم اما طلاقت نمی دهم. آن شب هم وقتی این مرد به خانه ما آمد شوهرم می خواست او را هم بکشد که وی از خودش دفاع کرد.

در ادامه قاضی از متهم مرد پرسید که در بازجویی با اعتراف کردی که با

سناریوی هالیوودی اشرار مسلح برای فراری دادن قاتل فرمانده

گروه حوادث/ سرنشینان مسلح ۳ دستگاه خودروی پژو در نقشه ای طراحی شده با حمله به مینی بوس حامل زندانیان در شهرستان میناب هرمزگان، چند نفر از زندانیان از جمله متهمان پرونده قتل رئیس پاسگاه چغاززری میناب را فراری دادند.

به گزارش فارس، در این حمله که حوالی ظهر شنبه رخ داد و وقوع اولیه آن از سوی افراد محلی منطقه گزارش شد، چند نفر از زندانیان که از اشرار مسلح و همین طور متهم اصلی پرونده قتل شهید حجت الله دشتیانی فرمانده ایست- بازرسی چغاززری میناب بودند هنگام بازگشت از دادگاه با همکاری چند فرد مسلح اقدام به فرار کردند.

همچنین این افراد مسلح در حوالی ایست- بازرسی سرنی نیز بار دیگر با نیروهای پلیس درگیر شدند. بعد از این حادثه یگان های مختلفی از پلیس های تخصصی استان هرمزگان در حال تجسس و پیگیری برای دستگیری متهمان فراری هستند.

ادعای بی گناهی در مرگ خونین شوهر

گروه حوادث/ همزمان با مرگ مرموز مرد جوان همسر او که با چاقو زخمی شده بود مدعی است که مرگ همسرش یک اتفاق بوده است.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ظهر پنجشنبه گذشته، زن میانسالی هراسان با کالانتری ۱۳۳ شهزبیا تماس گرفت و گفت: لحظاتی قبل صدای فریادهای زن همسایه به گوشم رسید که کمک می خواست. این زوج جوان همیشه باهم درگیری دارند و صدای داد و فریادهایشان مدام به گوش می رسد. امروز هم تصور می کردیم که مثل همیشه با هم درگیر شده اند اما وقتی خودم را به آپارتمان رساندم، در نیمه باز بود و رد خونی از آپارتمان به راه پله ها کشیده بود و زن همسایه به نام توران با بدنی نیمه جان افتاده بود. داخل خانه نیز جسد همسرش افتاده بود که از او هم خون زیادی رفته بود. به دنبال این تماس موضوع به بازرس کشیک قتل پایتخت و تیم بررسی صحنه جرم اعلام شد. با ورود تیم تحقیق به آپارتمان آنها با جسد مرد ۳۸ ساله در حالی که از ناحیه کمر چاقو خورده بود مواجه شدند و دختر ۲ سال و نیمه این زوج نیز در یکی از اتاق خواب بود. زن جوان که از ناحیه پا مجروح شده بود به بیمارستان منتقل شد و جسد به دستور بازپرس جنایی به پزشکی قانونی منتقل شد.

در حالی که تحقیقات در این رابطه ادامه و سرنخ ها حکایت از آن داشت که زن جوان در این جنایت نقش دارد خانواده مقتول به نام ایمان از عروسی شان شکایت کردند. آنها مدعی بودند که سهیلا، عروسی شان در این جنایت نقش دارد.

در حالی که انگشت اتهامات به سمت سهیلا بود، تحقیق از زن جوان پس از بهیودی صورت گرفت اما منکر قتل شد و گفت: ۷ سال قبل با ایمان ازدواج کردم و حدود سه سال قبل بچه دار شدیم. اما بچه دار شدن ما هم نتوانست جلوی

اختلافاتمان را بگیرد. اختلافاتمان آنقدر بالا گرفت که دو سال قبل درخواست طلاق دادم و تا نزدیک طلاق هم رفتم اما به خاطر دخترم از تصمیمی که گرفته بودم منصرف شدم.

او ادامه داد: اختلاف های ما همچنان ادامه داشت. یک سال می هم می شد که می گفت افرادی او را در خیابان تعقیب می کنند و قصد سرقت و کشتن او را دارند. هر چه به او می گفتم به دکتر بود و تحت درمان قرار بگیرد بی فایده بود. ۳ روز قبل از حادثه قهر کردم و به خانه پدرم رفتم. اما ایمان چهارشنبه به دنبال ام آمد و مرا به خانه آورد کمی هم قرض های اعصاب و خواب پدرم را برداشت و خورد.

درگیری خونین

زن جوان ادامه داد: پنجشنبه ظهر دخترم داخل اتاق خواب بود و من در حال نذاقت خانه بودم که دوباره دعوا شروع شد. این بار ایمان می گفت من کتک کشمش را به صاحبکارش داده ام و او نیز وسایزش را دزدیده و کمد را بهم ریخته است. دوباره همان توهمات قبل را داشت، من به داخل آشپزخانه رفتم و مشغول کارهایم بودم که ناگهان به ستمن آمد و گلویم را فشار داد.

او ادامه داد: داشتم خفه می شدم، تقلا کردم و در نهایت موفق شدم او را هل بدهم. بعد از کشوی کابینت که باز بود چاقویی برداشت و به من حمله کرد. من هم او را هل دادم که زمین خورد و بعد از خانه بیرون رفتم و با داد و فریاد همسایه ها را خبر کردم. من ضربه ای به همسرم نزدم و ممکن است زمانی که او را هل دادم این اتفاق افتاده باشد. با توجه به اظهارات زن جوان، به دستور بازپرس مرادی از شعبه دوم دادرسی امور جنایی تهران، برای تحقیقات بیشتر به اداره دهم دادرسی امور جنایی پایتخت انتقال داده شد.

